اندیشة اخلاقی بازتابیده
در صخیه سجادیه

(صفحه ۲۶۳)۷

دکتر حامد خاتی (فرهنگ مهرورش)۱
آروز شمس آبادی ۲

چکیده

صحیهة سجادیه، متنی منسوب به امام زین العابیدین(ع)، و از کهن‌ترین آثار بازمانده از نخستین سده‌های تمدن اسلامی است. عموم شیعیان صخیه سجادیه را دربردارند. تعیین اخلاقی گسترده‌ای ریشه‌دار در وحی الاهی و معارف اهل بیت (ع) می‌دانند. با این حال، سرخیه برای پژوهش اندیشه اخلاقی بازتابیده در آن، یا صورت بندی مبانی فلسفی این اندیشه ساخته گرفته است؛ که هنگامی که می‌توانند بر اساس معیارهای تاریخ اندیشه اخلاقی در جهان اسلام، خاص در سده‌های نخست، را بررسی کنند. این مطالعه به همین منظور دیپل می‌شود. بنابراین که در آن، چارچوب کل نظام اخلاقی مطرح در صخیه سجادیه را بازکاری می‌کند. بنابراین، نخست اندیشه‌های هستی‌شناسی و آنالیز شناسی را در صخیه سجادیه را در صورت خواهیم کرد. آن گاه از کمالی سراح خواهیم گرفت که برای انسانی با این روش‌ها، در یک چنین هستی ترسیم شود است. همچنین که در بازه رفسیدن به چنین کمالی بر پایه آموزه‌های صخیه سجادیه می‌گوییم. این تلاش را به خواه بود بدان سو که پس از مقایسه اندیشه اخلاقی صخیه سجادیه با دیگر مکاتبات اخلاقی شناخته جهان اسلام در سده‌های مقدم، شامل اندیشه اخلاقی این اثر بازشناسی شود.

کلمات ورژه‌ها: تاریخ اندیشه اخلاقی در جهان اسلام، تاریخ مکاتبات اخلاقی اسلامی، تاریخ فلسفه اسلامی، ادبیات دفاعی شیعه، فرانکا، مبانی فلسفی دعا، سبک زندگی اسلامی.

۱. استادیار گروه الاهیت، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
Mehrvash@hotmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد آزادشهر
Mahd5462@yahoo.com
درآمد

صحیحه کامل‌سند‌سجایی کتابی است رابط در میان شیعیان زیدی، اسماعیلی و جعفری با حجمی در حدود ۱۰۰۰۰ کلمه. در بردارندگی دعاهایی برای خواسته‌های فردی و اجتماعی، که برخی را باید زمان‌های مشخص برخواند و برخی دیگر نیز، متعلق به زمان خاصی نیستند. گرچه دانش‌هایی نیست از چه زمان این اثر به صحیحه کامل‌سجایی نام برده گردیده (میروش، هنیت ...). تأثیر آن به امام زین العابدین (ع) مربوط است و اشاره‌ای به عنوان رابط را در نسخه‌های بازمانده از خود اثر نیز می‌توان سراغ داد (رک: سند صحیحه «اخیره آن» از دعاء ایبه ... از دعاء الکامله/کامله). بر پایه آنچه در مقدمه اثر درج شده، نسخه‌های دوگانه آن در اختیار امام صادق (ع) و پسر عموی پدر ایشان یحیی بن زید (مقد ۱۲۵ ق) بوده است و سراخر، ابیالمفضل شیبانی (د:۴۸۷ ق)، عالم جامعی سده ٤ ق موفق می‌شود به دو روایت مختلف از اثر دست یابد (برای وی، رک: پاکتچی، سراسر اثر)، و با ویرایش متن، تدوین ابوبکر و افزودن مقدمه‌ای آن را به سنسه‌ای بعد رساند (برای اشاره به نقش ابیالمفضل در تدوین صحیحه، رک: مهروش، هنر. ۱۵۸-۱۵۸۱).
مختلف پراکنده شده‌ای برای کتاب‌شناسی تفصیلی شروح و ترجیمه‌ای صمیمانه، رک: آنانویزی، ۱۱۱/۴ به بعد؛ همچنین، سرای اثر؛ نیز برای اجرا نامه‌ای نقش آن در عصر صفوی، رک: حسینی فلکوری، سرای اثر؛ امیری که نتیجه رؤیای محمد تیمی مجلس (۱۲۰۰ق)، و این اعتماد عمومی به این رؤیا بوده است؛ رؤیایی که در آن امام زمان (ع) مجلس را به نسخه ای نیز از این کتاب که ویراسته‌شده اول است رهمن می‌شود و از این ملازمت آن امر می‌کند (مجلسی، ۱۹۶۱).

گذشته از این، صفحه‌های سجادیه را می‌توان از جمله آثار کهن اخلاقی در فرهنگ اسلامی تلقی کرد؛ اثربه انجرن بر توجه به دعوت‌های اخلاقی در سیرات آن، در بردارند. دعا مفصل نیز با عنوان «مکارم الاخلاق»، و با تکیه و تأکید ویژه بر اصلاح اخلاقی است. بدين سان، برای شناخت تاریخ اندیشه اخلاقی در جهان اسلام، بازنشانی اندیشته‌های اخلاقی مندرج در آن ضروری است.

طرح مسئله

با همیلت توجهات شیعیان به صمیمانه و نگارش آثار فراوانی در شرح و تفسیر آن، بنا به دیدگاه‌های شیعیان محترم، تلاش می‌شود تا در سیاسه‌ای، اصول و اصول اخلاقی و فلسفی بررسی شوند، تا نیز بنیادمند صورت نگرفته بود. شاید مسئله کاربرد روش تفسیر موضوعی در دوران معاصر از یک سو، و دردسر آمیدن گرامیداشت چنینی در نظام آموزشی کارشناسی ارشد رشته‌های شیعه و معارف اسلامی در دهه اخیر از دیگر سو. سپس اصل تعیین این فضا شد. رشته‌های همچون «علم حدیث»، «مدرسی الیات» و «معارف اسلامی»، با «اهل بیت شناسی»، که سطح نگاه درون دینی و توسه‌های شیعیانی در باره میزان روایت را به همراه داشته‌اند.
الف) پیشینه مطالعات

پیشینه مطالعات

ب‌ه‌رودی تا اوایل دهه ۱۳۸۰ کمتر مطالعاتی را می‌توان یافت که حتی
ashara va به ضرورت یافته‌ای بلند اخلاقی صحتی سجادی می‌دانست. حتی در
می‌شیرهای این دهه، سجادی که باسعدهای یافته در باره صحتی سجادی را به
می‌کند، گردیده به اعمال از لزوم نگارش تفاسیری موضوعی بر صحتی می‌گوید
(سجادی، ۱۳۸۰-۱۳۷۷). هیچ اشاره‌ای به ضرورت مطالعه صحتی همچون منبعی
در برداشته‌های متعلق به سده‌های نخست اسلامی ندارد. احتمالاً نیز که در
همان آوان به تکمیل هر سجادی می‌گوشد و می‌خواهد به دین منظور، باسیهای
پژوهشی درون‌مانی صحتی را بازنماید، حتی در حد همان اشاره مختصر و معمول
سجادی نیز به چنین بحث نمی‌پردازد (رک: اختصاصی، سراسر اثر).

مطالعات پرآکده و پرشناسی را می‌توان از اوایل دهه ۱۳۸۰ سراغ داد که هر
یک به نحوی برای یافته‌ای بلند اخلاقی صحتی اصول و مولفه‌های پیش‌بینان آن،
ارزش‌های این نظام، و هر چه از این قبل می‌کوشند. شماری از این قبیل مطالعات، بیش
از هر چیز، کوشش‌های برای فهم نظام اخلاقی صحتی با بهره‌جویی از گفت‌گان دانش‌های
مددرها است. یکی از آن‌ها، اکثریت دانشگان این مطالعات که می‌توانند منظور
صحیح خواندند. کوشش‌های برای آن‌چه از دانش روان‌شناسی مدرن، یا فلسفه و اخلاق
اسلامی فراگرفته‌اند. مثال‌هایی در صحتی سجادی بیان‌اند و به‌خورا بر با یک بنده
بدین گونه است که مثلاً می‌بینیم کسی «حک ذات» را همچون یکی از بیان‌های تفکر
اخلاقی در صحتی ذکر، و این بوده‌ای نیز تصمیم می‌گیرد که هرگز در سراسر اثر اشاره
مستقیمی به این مدعی نشده است (ابراهیمی، نماینند. ۳۱). مؤلف دیگری در بحث از
جامعه مرگ در صحتی سجادی به ورطة توضیح و واضحات می‌افتد و بعد از بادکرده
نمونه‌هایی از کاربرد الافاظ دال بر این مدعی در صحتی. سرآخه نتیجه می‌گیرد که مرگ
اندیشه اخلاقی بازتاب‌ده در صفحه سجادی

از نگاه پدید آورندگی صحیحه پایان هستی نیست (ددمیگی، ۱۳۴۲). دیگری از عباراتی در دعا ۲۲ صحیحه چنین استنباطی می‌کند که از نگاه امام زین العابدین (ع)، استفاهه از چنگ‌افزارهای کشتار جمعی در شرایط خاص مجاز است (اخوان کاظمی، الف، ۱۸۸۸-۱۹۸۹)، مطابق که وقتی حذف شش ماه بعد از چان نخست، همین مقاله بار دیگر در مجله‌ای دیگر به چاپ می‌رسد، حذف شده است (رک: اخوان کاظمی، ب، ۱۳۴۵-۱۳۹۰).

یک مطالعه دیگر از این قبیل، اثر احمدوند است (بانیز ۱۳۹۰). وی خواسته است «اخلاق اجتماعی» را در صحیحه بکارآورد: به عنوان باید نشان دهنده و ملاک‌های حسن و قبح صفات و مسلکی که اگر انسان زندگی اجتماعی نداشت، آنها را بی‌نی‌گرفت. با این حال، عملاً چنین بیش از یک نهست مختصر از هدف صفت اخلاقی، به هر راه طول و تفصیل، سیاسی و نقل قول‌های فراوان از مؤلفان دیگر ارائه نمی‌شود. هیچ کوششی برای تحلیل این صفات، یا مشخص کردن یاگاه آنها در نظام اخلاقی صحیحه، یا حدود و ضوابط حسن و قبح هر یک صورت نمی‌گیرد.

مفهوم دیگری هم از این قبیل، «اصول بهداشت روانی» را از نگاه امام زین العابدین (ع) می‌کارند و لابی‌لا در بحث‌های پراکنده بهبود، بینن هم اشاراتی گذرا درنده که برای آگاهی از روابط و عوامل محققی به سلامت روان، باید از نظام ارزشی و آگاهی گردد و برای این منظور هم، درک هستی شناسی و انسان شناسی و ضرورت است (توثیی سبیل، ۷۸). با این حال، هرگز نبود را با توسعت همین روابط پیش نمی‌برند. مطالعه ایشان هم در عمل از جمله و بشناسند پیانه و نبود در آیاتی ملایم هم، دسته دیگر از مطالعات تفسیرگونه در این زمینه را با این کوشش برای شناخت مباني اخلاقی صحیحه به نحو گزینشی دانست. یک نموده از این قبیل، اثر برهان (۱۳۸۴) در باره مبانی سلوك اخلاقی صحیحه است. از نگاه او، در صحیحه سلوك اخلاقی منبع


است بر بار او شیETS بخشی منتفی‌الآلاه و قرار از استحکاق‌خواندن، خود از خدا هم‌امید به رحمت او در حال، اعتماد و تکیه بر توفیق خدا، و تولید و خود را به خدا سپردن (پهلوان: ۷۲ بیا. به همین ترتیب، شیوه سلوك را از نگاه صبحیه، تکیه بر قرآن کریم، بهره‌جویی از ماه رمضان، تولی و نبی شفاعت اهل بیت (ع)، متوسل شدن به ایشان، بارور به این که خدا ناظر همه کارها ست، و سرآخید، صلوات بر اهل بیت (ع) می‌داند (همه: ۸۳ بیا. اولاً، هنچ معلوم نیست چرا هر یک از این روش‌ها در عرض دیگری قرار دارد و آنها را با هم چنین نسبت است. ثانیاً، انتخاب این شیوه‌ها همچون روش سلوك پیش‌نمار صبحیه، با حدود زیادی تفسیر دوختی و گریز به عبارات نیز همراه است. ثالثاً، مشخص نیست که از مبانی عرفان عوارف صبحیه که هر یک را می‌توان حاکمی از بهینگی رفتاری خاص دانست، چرا این چند رفتار، منش، و اعتقادات خاص انتخاب شده، و مبنای ترسیم چارچوب اخلاقی اثر قرار گرفتن‌دان‌مطالعات سلیمانی و مقامی را نیز باید از همین قبل تلقی کرد. از نگاه سلیمانی (۱۳۹۰)، راهکار بازتابی‌نه در صبحیه‌سنجیده برای اصلاح و رشد‌عالی انسان بر دو اصل مهمی است: یکی تذكر و یادآوری، و دیگر، تبیگزی و زهد (سپیمانی: ۸۸-۸۷)، مقامی و میر شاه جعفری در مقام تکمیل برمن آیند و دو اصل دیگر نیز می‌افزایند؛ اصل بازگشت (توره) و اصل عزت (مقامی: ۱۰۶-۱۰۷)، این دو مطالعه که به افتقا شیوه پهلوان برورنده را، به همان اشکالات کار و رهبری‌بودن، به‌گونه و بی‌گاه کوشش‌هایی شده علیه نیز برای پیاده‌سازی روشهای کمی و کمیک مطالعات تاریخی و متن پژوهانه بر صبحیه صورت گرفتن‌دان‌. از این جمله، مطالعه مزوودی برای شناخت چارچوب اندیشه‌ی اخلاقی اثر است. وی گره چه کوشش خود را برای دست‌یابی به درکی کلی از اندیشه‌ی اخلاقی صبحیه، با دغدغه‌ی نهایی باره‌هستی نشان، انسان‌شناسی و جمله انسان از منظر مؤلف صبحیه آغاز می‌کند (رک...
مطالعه‌ای دیگر از این دست و به‌هیچ‌پتی مختلف، اثر سیاحان نواد و همکار اوسن. این‌ان خواسته‌نامه‌ای کاربرد روش تحلیل محتوا، «آباد و زمین‌های تربیتی» را در صفحه‌سجادمان یک‌پاکند. به‌باینال، ضعف در تعیین موضوع بیشتره است علاوه بر چنین
فراتر از یک دستنبندی ساده از ارزش‌های اخلاقی دست نیابند (رک سیاحان نواد، سرور اثر، 

پ) تأمیلات

در همه مطالعات پیش‌گفته‌های از رویکردی درون دینی همچون عالمی شیعی به مسئله
نگریسته‌ی مقدمه و ساختار از پیامبر (ص)، امام علی، و دیگر امامان (ع)، مبانی فهم
ساختار منسوب به امام زین العابدین (ع) که می‌گویند: رویکردی که از موقعیت برون
دینه‌ی مبانی نیاز به این روایت مختلف شناخت علم که گشودن باید تفاهم بین همگان
است - ملاحظه‌ی غیر شیعه را اقتدا نمی‌کند. به خصوص از فضای فرهنگ شیعی و باور
به عصمت اهل بیت (ع) و این که همه نوری واحد هستند. نمی‌توان سخن یک امام را
مبنا فهم قطعات امام دیگری قرار داد.

گذشته از این، در عمل هیچ کوششی برای شناخت نظام اندیشه‌ای بازتابیده در اقوال
منسوب به امام زین العابدین (ع) صورت نمی‌گیرد و مؤلفان تنها برای آرا مختلف
رازی در علوم اجتماعی و انسانی مدرن، مؤسسان روایات می‌جویند. نیز، در سرسره
مطالعه هرگز کوششی برای استقاشم شواهد که آموزه‌ی دیده‌ی نمی‌شود: بلکه به عكس،
معمولاً تکیه بر شواهدی است که بسادگی می‌توان از آنها تفسیر دیگری هم ارائه کرد.
عمده‌ای این مطالعات صحیحه کاملی را همچون یک تأثیر خاص در نظر نمی‌گیرد و
فارغ از ملاحظات انتقادی در پاره انساب روایات مختلف به امام زین العابدین (ع)،
ادعه صحیحی را نیز در کنار دیگر دعاها و روایات منقل از امام زین العابدین (ع)
می‌نهده و می‌کوشند بر پایه مجموع آنها. تصویری از نگر امام بازنماینده کوشش‌هایی
که نوعاً درون‌دیشی و مبتنی بر مبانی کلامی است و گذشته از آن که برای مخاطبانی
خارج از مجموعه معتقدان به مکتب تشیع پیامی ندارد، از جمله برجسته‌ترین
فاز مثیبی و تاریخی، نه به تفسیر نمونه‌ها. استحکام شواهد، و دیگر چنین و روش علمی
نزی قابل تقد است (برای چند نمونه دیگر از این کوششها، رک: دریایی، رک: نزی قابل تخدنی)
تطبیقی...، نزی قابل، هاشمی، سراسر منطق آثار؛ بدخشان، ۲۹ بیا.
در این مطالعه با دانستن‌های متداول برای بازناسی چارچوب کل اندازه‌گیری
صحیح را بپیام، روشی که اولاً مبتنی بر باورهای کلامی خاصی نباشد و بدین سنت، بنوان
دستاوردهای بحث را بر پرداز دیگر مذاهب هم عرضه کرده، ثانیا، به چیز مصدق‌بایی
برای نگرش‌های علمی اجتماعی و انسانی مدرن و سنتی، بحث را با تکیه بر داده‌های مدرن
در خود صحیح را بپیام، ثالثا، بر ملاحظات انتقادی مورخان، و گزارش و شواهد عینی
مکتی باشد که حد الانیکان فسوس‌های دوییده جامتح که برداشته.
می‌خواهیم با پیام بردن این مطالعه در اظهار: اولاً، آیا ارزش‌های اخلاقي مدرن در
صحیحی، مجموعه‌ای از حکمت‌های پراکند، را تشکیل می‌دهند، یا اجزای یک نظام
منسجم و سازگار اخلاقي هستند؛ ثانیا، بر فرض انعکاس درونی گزارش‌های اخلاقي
صحیحی، مبانی نظام اخلاقي مدرن در این اثر چیست؛ ثالثا، در این اثر، بر چه شریوه
سلوکی تأکید می‌شود.
بازشناسی اندیشه اخلاقي صحیحه سجادی، افزون بر نواید عملی آشکار از نگاه
مبتلا و معتقلان، از منظر پژوهشگران تاریخ مکاتب اخلاقي در جهان اسلام نزی شایان
توجه است. چنان مطالعه در می‌تواند به بازناسی یکی از کهن‌ترین تفکرات اخلاقي
اندیشتنا اخلاقی بازتابیده در صفحه‌سازی بین‌جامد. به هنین ترتیب، می‌توان با شناخت نظام اخلاقی مدلگر در این اثر و پی‌گیری مطالعات مشابه، تاریخ مکانی اخلاقی جهان اسلام را در دوره‌هایی بازشناسی که آثار باقی مانده از آنها بسیار حدود و کوشش‌ها برای بازشناسی شان اغلب کم‌توجهی است.

از دگر سو، یا ی پی‌گیرندهٔ مطالعه‌ای می‌توان به شناختی کلی و کلیان از نظام اخلاقی صحیفه دست پیدا کرد و از آن برای شناخت بتهت مفاهیم جزئی اخلاقی در این اثر بهره جست. نیز، می‌توان با ی پی‌گیری اندیشه‌های اخلاقی کلیان صحیفه، شواهد و مؤیداتی برای مسئله هویت و انسان‌نژادی آن باشد؛ چه می‌توان با این مطالعه دریافت که آیا کلیت نظام اخلاقی بازتابیده در اثر، نظامی منسجم و هماهنگ را تشکیل می‌دهد. یا به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه، به‌نواحی این واکنش بررسی‌ها ایناه
کاربرد هر یک از شیوه برای مطالعه نظام اخلاقی صحت به درکی بی طرفانه، عینی، و روشن‌کردن از مکتب اخلاقی بازتابی‌ده در این اثر دست پایت.

1. مبانی نظام اخلاقی صحت به

چنان که گفتنی، در گام نخست باید با مطالعه صحت به‌ین نیم‌چه درکی از هستی و انسان بر نظای کلی این اثر حاکم است.

الف) موجودات هستی

می‌توان در صحیح‌‌شان اشارات اثرات ناحیه به موجودات مختلف دید؛ موجوداتی که گاه دیدنی و گاه نیز نادیدنی هستند. از مهم‌ترین موجودات عناصری که در صحیح‌‌شان آن بحث می‌شود، خدا است. خدا موجود‌‌مادی و محض‌‌نیست. بنابراین از راه حس نیروی توان از را شناخت (صحیح‌‌سجادیه) ۱۹۳۷/ ۳۷. گرچه در صحیح‌‌سجادیه توضیح داده نیروی نشانخت چه راهی برای شناخت خدا پوش روی انسان است، صفحه‌‌فروان ذات و فعل خدا به تفصیل بیان می‌‌شود؛ خواه صفات ثابتی، و خواه صفات سلیبی و (برای موری جزء‌‌گرانه یا این صفات، رک: هم‌اوازی) ۱۲-۱۳۷۳.

در صحیح‌‌سجادیه که در صحیح‌‌شان از آنها یاد می‌‌شود، فرشتگانند. هیچ تعیین مشخصی در صحیح‌‌شان از فرشته‌‌ارائه نمی‌‌شود. بالاخره، توصیفات فروانی از فرشتگان صورت گرفته است. گفته می‌‌شود که فرشتگان، کارگزاران اصلی هستند ۳۷/۲۲. خواه‌‌نامی نامنی ندارند، هرگز دست از کار نمی‌کنند ۳۷/۳۲. نیازمند آب و غذا نیستند ۳۷/۱۱. فروانی و غیر قابل شمارش ۳۲/۲۲، و عمده آنها ساکن

1. در سراسر این اثر برای ارجاع به نقش‌ها از صحیح‌‌سجادیه، نخست شماره دعا در صحیح‌‌سجادیه کامل ذکر گردیده. و سپس بی‌اشکال طبیعی می‌‌تواند، محض از نظر نظری، پایه‌‌گذاری اعمال صحیح‌‌سجادیه با تصویر و ترجمه حسن استادولی (رک: متابع) ذکر گردیده است. برای نمونه، ۳۷/۳۲ بعنی مطلب در دعای چهل و هفتم صحیح، بند سوم، آمد است.
آسمان‌دّ (۳۱/۵، ۶) برای دیگر صفات و نیز مراتب فرشتگان، رک: شمس‌آبادی، ۱۴، ۱۵.

مهم‌ترین مؤموریتی که در صحیفه برای فرشتگان یاد می‌شود، رساندن پیام‌های الیه‌ای با رعایت امانت است (۳۱/۶، ۱۸، ۱۰). افزون بر این، فرشتگان از طرف خدا برای یاری مسلمانان فرض‌نامه می‌شدند (۳۷/۷۴، ۸۷، ۱۱، ۴۷). با این‌همه، به نظر می‌رسد فرشتگان در نظام اخلاقی صحیفه، و در مسیر کوشش انسان برای رشد اخلاقی، نقش خاصی ندارند.

چنّ چه کارگزار خداوند و اگر اراده خدا بدين تعلق نخورد چه خبری به انسان رسد،

اپری نقش می‌کنند.

موجود نامحسوس دیگر که در صحیفه یاد شده، شیطان است. در صحیفه از شیطان

۱۸ بار یاد می‌شود؛ اما این یادگر را اشاره‌ای به جنس و ویژگی‌های آفرینش او همراه نیست. در صحیفه، با مسلمانان وجود شیطان در عالم هستی، وی عامل فریب و گناه شهرده می‌شود که انسان را به مصیبت واپی‌دارد. شیطان در صحیفه دشمن دزدین خدا و انسان (۴۴/۱۷، ۱۷، و ۴۷/۱۰ و ۱۰)، و راهنده (۳۳/۶) است. این اشاره به این خدای بر انسان مسلط گشته (۲۵/۶، چایگاه در سیبیه (۷۴/۱۰). و مهم‌ترین راه نفوذ هم قلب یا همان ساحت عاطفی وجود انسان است (۱۷/۶).

در صحیفه به موجودات محسوس هستی نیز جسته، گریخته اشاره می‌شود.

نمی‌توان در این اثر تماشای محسوس‌سالی جان‌یادگار و موجودات پی‌چان یافت؛ خاصه با توجه بدان که در سرآسی آن از جان‌دار دیگری جز انسان بحث نیم‌شود (برای اشاره مثل نقض، رک: ۲۷/۶، ۶ «قطع نسل چپ‌پایان»). با اینحال، به نظر می‌رسد به مجموعه محسوسات جهان، خاصه طبیعت پی‌چان در صحیفه از این ساخته جذابیت و در حین قرار دادن (برای نمونه‌هایی از اشاره پذیری، رک: ۴۲/۳، ۲/۶، ۱۸، ۷۷، ۴۱۱/۶، تاکنون، حدای آنها را در خدمت انسان قرار داده است (رک: ۶/۲، ۶/۱۹، ۵/۵)؛ و تاکنون، همین موجودات خدمت‌دار، به انسان، خود
نشانه‌های خدا نیز هستند (رک: ۳۶/ ۱۲۴۳/ ۱۲۵۲)؛ نیز، برای تفصیل بحث از مواردات
پی‌چان در صفحه، رک: شمس آبادی، ۱۶ بیا.

در صفحه‌ی از نظم هستی نیز بحث شده، و خلقت موجودات با اراده و حکمت الهی
پیوند خورده است. خداوند به حکمت خوشی کارگزاران بسیار آفریده، و حکمت
شیطان را نیز کار فروهمه است. همانند تدبیر و نظم که در میان موجودات نامحسوس
برقرار شده، در میان محسوسات نیز برقرار است. از این میزان، خدای صادق همه چیز را
سنجده، آنها را در راه هدف آماده کرده، و پاداش یا پاپانی قرار داده است (۲۷/ ۱۳۰۷/ ۱۲۵۱). یکجا از این سخن می‌رود که خداوند برای شب و روز، اندازه و زمانی را
مقدار کرده است. چنان که هر یک را در دیگری فرو می‌بارد (۴/ ۶). چنین دیگری در
اشتهر به نظم هستی گفته می‌شود خدا برای زندگانی هر جاندار، سرآمد خاص و مدت
محدود معین کرده است (۱/ ۶).

ب) تفسیر زمانی هستی

بر پایه صفحه‌های متن‌ور عهده‌برانگیز به این دنبال نیست؛ بلکه بعد از این دنبای زندگانی دیگری
خواهند بود که دارای استحیام و اصلی است. از نگاه صفحه ی دنیا فرنی (۲۷/ ۱۳۰۷/ ۹/ ۲)،
مکار و نیرپی باز (۲۷/ ۱۳۰۷/ ۳)، فراموشگان انسان (۳۳/ ۱۳۰۷/ ۳)، و کالای برای بسیار دنیا نیز، تنها
وسله‌ای برای رسیدن به قرب الهی و دستابای به بهشت است (۲۷/ ۱۳۰۷/ ۳). نمی‌توان در
صفحه چش اشاره‌ای کوتاه به زندگی برخی انسان یافت (۱/ ۶). بالینجان. توصیف
قابلیت را در آن می‌توان به تفصیل دید؛ همچنان که شرح مستوفی از بهشت نیکان و
عذاب گناه‌کاران داده شده است (برای تفصیل بحث در این باره، رک: شمس آبادی، ۱۶ بیا).

بر پایه صفحه‌های مبانی، دنیا و آخرت رابطه‌ای تعاملی برقرار است. روزی دنیا
وسیله‌ای برای پیامدی خدا است (۲۷/ ۱۳۰۷/ ۲۲); هر چه خدا در این دنیا به انسان بدهد، نعمتی
برای پاروی و در مسیر قرب است (۲۷/ ۱۳۰۷/ ۳). و هر چه هم که از انسان بازداشتی شود،
اندیششان اخلاقی بازتابیده در صفحه سنجیده‌بی.

پ (پ) انسان شناسی صحیحه


بر پایه صحیحه انسان مربک از جسم و نفس در خلق خوشی از ویژگی‌ها

برخوردار شده که بر حمایت رفتارهای وی اثرگذار است (برای اشاره‌های دیدن معنا رک: افخمی عقیده، سرآمد اثر، مهمترین این ویژگی‌ها ضعف جسم و نفس است (برای تفصیل بحث از ویژگی‌های انسان، رک: اسکرینSAFE15. بپا. انسان بندی ناوتان در عمل و بزرگ در آزموز (۶۱/۲۳)، و همیشه آسیر نفس خود است (۶۱/۵۱). او در اثر همین ضعف نفس، گاه باطل را بر می‌گردد (۶۱/۹) و اینچنین، روحش از شیطان پیروی می‌کند (۶۱/۹۴)، انسان فریب می‌خورد، و به گزراهی می‌افتند (۶۱/۲۳).

ضعف نفس یا همان مرکز عاطفی وجود نسبت می‌شود انسان دچار غفلت گردد (۶۱/۱۶)

۹۶/۹۷/۹۱۴/۱۴۷، هنگام امتحان و ناوتان یا (۶۱/۱۴)، و در جستجوی جابجایی عجول (۶۱/۱۵) باشد، حساست ورزید (۶۱/۱۴) و اینچنین، به روزی دیگران طبع برده.
اصحاب مبنی، شماره ۲۷. سال پیست و پک: بهار و نابستان ۱۳۹۲

(۲۰/۳/۱۲/۱۳)، یا حتی در اثر این حساسیت به خدا نیز بدلگان شود (۳۵/۱۲۱)، و
فرار از این همه، وقتی نمتهای خدا را واقع دید، سر به طرفن برادر (۱۴/۲۰.۵/۳۰۳). بیامد این ضعف جسم و نفس، ناتوانی از شکر نعمت است (۵۱/۳۷۷-۴۱۷)، چیزی که انسان را از مرز انسانیت خارج می‌کند (۸/۹). ضعف نفس، موجب کندی در
الفنات به مواضع الاهی (۵۱/۵۰)، درخواست حاجت از غير خدا (۱۳/۱۵)، و درآخر
کشیده شدن به دورخ (۱۴/۳۴) می‌گردد.

این انسان با چنان ضعف درگیر، تنها با هدايت خدا می‌تواند راه یابد (۳۴/۱۳۰۵/۲۰۷۲)،
و البته، تنها خدا چنین هدایتی فراوری وی نهاده است (۴۷/۴۷)؛ هدایتی 
راستین (۱۴/۱۳۰۴/۲۰۰۵/۲۰۰۵) که فرد با آن به راه راست (۹/۶) یا 
استوارتین راه (۱۴/۱۳۰۴/۲۰۰۵)، رها می‌شود. این هدایت الاهی پیمان پرداخته است و
همه اقسام الهامات درونی به تک تک اشخاص، و هم ارسال پیام از طریق پیشوایان
دین را دربر می‌گیرد (برای تفصیل بحث، رک: اسکونیاان. ۱۷۹۲).

با به پای بحث در باره عوامل هدايت انسان، در صحیفه از عوامل گماهی نیز، بحث
می‌شود. شیطان چون عامل برتری، و راه و ضعف نفس جن عوامل درونی، مايه
اضلاع فرد و دست نافتشته شیطان در قلب فرد، بیشترین کنترل احساسات
او خانه می‌کند (۳۵/۶) و با کاربرد نیروگاهی (۷۲/۷)، و آرامش باطل (۲۱/۷) 
۱۶۷۳۷۷/۹)، انسان را نسبت می‌دهد (رک: اسکونیاان. ۱۹۰۲). افزون بر شیطان، جهالت
یا ناگاهانی و بی‌خیزی فرد (۰/۲۳/۲۷/۳۷/۳۷/۵)، و ایمپری و ضعف احساسات و
زود از جا درفتنش (۲۳/۴)، دنبال‌دنی (۲۲/۴۷/۴۲/۲۰۸۰/۵۰۸۱۵/۶۹)، و آرزوهای
دراز (۲۹/۱۵/۸)، دیگر عوامل بازماندن فرد از هدايت و رشد هستند.

خداوند همین انسان ضعف را که خطرا در کمین ایست، از مبان مغرفرد مختلف
خوش برگزیده، بدن عنايت و روا داشته (۱۸/۱)، احسان و فضل خوش را شامل


حالی کرد (۱۶/ ۶۰، ۵۹/ ۴۹، ۵۱/ ۱۴، ۱۳/ ۷۱، ۲/ ۳۷)، روزی‌ها را تعداد نموده (۲۹/ ۳۲)، و حتی با همان‌مانی‌های او احسان خود را در یک چنین نداشته است (۱۸/ ۷۷، ۱۳/ ۷۱، ۴/ ۳۷) که این یک تفایل بی‌هوشی از عناصر خداوند به انسان، رک: اسکوئین. ۲۱ به. خدا بعد از این عنایت خاص، انسان را به خود و نه خود می‌آزماید (۱۱/ ۶۱).

مهم‌ترین جلوه این آزمون، سنگش قدرتشانسی انسان در هنگام وفور نمایش است (۲۰۰۰، ۲۰۰۰). امتحان‌های دیگری هم پیش رو سخت، مثل وقتی نمایشی کمتر از دیگری در اختیار این یک آزمون گذشته، انسان در هر آزمون‌های پیش رو، می‌تواند به دعا از خدا مدد جوید. خدا به دعا و نه به نعم، فراوان داده است (رک: سراسر دعای ۴۲)؛ اما یک دعا رضایتی است برای حکم‌گزار خدا

تا هر کجا باشد، راز خوشی با او در میان گذاشته‌است (۵۱/۱۱). خدا چنین مقدر کرده است که انسان از کسی جز خود، یا توانای حاضری پیگیری (۱/۶۹)، او خود به دعا کردن فرمان‌داده، و اجابت را ضامن شده است (۱۲/ ۱۰، ۱۰۸/ ۱۶، ۱۳/ ۳۵، ۹۳/ ۷۱، ۷۱/ ۳۷). رابطه خدا با انسان به نعمت پخشی، امتحان، و هم شنیدن دعای انسان در طول دوره امتحان محدود می‌شود. حتی اگر انسان در این امتحان شکست نیز پذیرد، خدا بتوانه

پذیر است (رک: سراسر دعای ۴۲، ۱۶، ۱۴، ۳۲، ۱۳۸، ۷۳/ ۹۳). مهیج است که مطالعه مفهوم استغفار در ادعای مختلف صهیقه، رک: اسکوئین، ۲۴: ۷۵، نیز حسینی شاهرودی و شریعتی سراسر اثرات.

(۱۰) خیر اعلا در صهیقه نیز قرب خدا بالاترین خیر برای انسان است (برای اشاره به دین معان، رک: ۳۰/ ۶)، از این ترتیب، گاه با تعبیر نجات (۱۰۳/ ۳۲، ۱۳، ۷۱، ۳۲/ ۴۷، ۳۲/ ۴۷) یا «فوژ» در معابد (۱۱۱/ ۵۰، ۱۰۸/ ۵۷، ۱۸/ ۵۳، ۲۵، ۱۳/ ۶۸) یاد می‌شود. از نگاه صهیقه این خیبر

اعلا مسایل پا شادکامی و خوشی دیپورتی نیست؛ اما با آن یک‌گاه هم نیست. از یک سو
گاه خیر علیای انسان در خشونت خدا. همگونی با اوالیای الاهی در بهشت و پوشیدن خلعتیشان شریف، یا رسیدن به مقامی فراتر از فرشتگان و قرب خدا تصویر می‌شود (برای نمونه، رک: ۴۴/۸۵، ۴۷، ۱۱۸۸)؛ اما از دیگر سو، برخی مصادیق سعادت که در صحیفه‌ای خدا مطالبه می‌شوند، کاملان للهیه و اینجا هستند؛ همچون رسیدن به نعت و روزی بی‌بهره‌ندی از پرکات آسمان و زمین، سلامت دل، و آسیای تن (۴۸/۱۴۷).

به نظر می‌رسد از نگاه صحیفه، سعادتند کسی است که آن‌تر را بر شوی فرم‌نبرداری از خدا (۴۴/۱۱)، جوایز فضل و رحمت دنیوی خدا نیز هست؛ فضل و رحمتی که خدا در فراوانی نعمت‌ها جلوه‌گر می‌شود، و گاه در اقبال به اعمال خیر (۴۴/۱/۱۳۹). این بهره‌ندی از جلوه‌های فضل و بخشش خدا در دنیا، فرد را به آینده حیات خویش پس از مرگ هم امیدوار خواهد کرد (۴۷/۱۱۷؛ نیز، براي تفصیل بحث در باره چاپ‌گاه مرگ در صحیفه سجادشان، رک: درایبیگی، «مرگ انديشي...»، ۸۹-۱۰۱).

بر این پایه، خیر علیایی که در صحیفه جشته می‌شود، وظیفه محترمی حاصل امر خدا یا هر چه از این قبل نیست. این خیر علیا، همان سعادت‌های اخروی فرد است و این تا، چنین خیری از یک سو ملازم شادکامی دنیوی، و از دیگر سو، نتیجه طبیعی و پیامد کمالی است که فرد خود حاصل می‌کند. اگر صرفاً خود را مرور و دست‌بندی کمالی است که در صحیفه‌ای از آنها سخن می‌رود، به تصویری واضح و واضح از این خیر علامت بیان‌کرده. به نظر می‌رسد برای رسیدن به خیر علیای آنها یا همان رستگاری و نجات ملازم با برخورداری دنیوی، در صحیفه به ضرورت حصول فرد به‌کار شده است: اولاً فرد باید از کمال دهن برخورد و گردید؛ و ثانیا، در همه کشها و منشی‌های خود نیز، شب‌های کمال جویانه را پی‌گیرد.
از جمله کمالات عاطفی برای انسان در صاحب‌الاسلامی، درک محبب و رزیبدن خدا به وی و به گرمش پذیرفته شدن چنین محببت است. از یک سو در صاحب‌الاسلامی اشارات ستاره‌ای حاکی از محبب و رزیبدن خدا به انسان دیده می‌شود. خدا نعیمت‌های متولی بر انسان افزایش کرده و فراتر از این، شویه حمدد خود را هم به وی آموزه است. این همه به خاطر محبب خدا بر انسان است. خدا از مهر و لطف خوشی، برای این که انسان بتواند راه حمدد را پیاپی و خود به تعالی پرسرد از یک سو شکر تعمید را به انسان الهام می‌کند و از دیگر سو، انسان را به یکپارستی راه می‌نماید و از شک و دودلی دور می‌سازد.

(رک: 1/10، نیز برای بحث در باره تجلی عاطفه در صاحب‌الاسلامی: ترکاشوند، 1367-1398.)

از دیگر کمالات عاطفی انسان بر صاحب‌الاسلامی، امید و رزیبدن به خدا است. جلده چنین امیدی را در پذیرش توبه انسان می‌توان دید (برای موردی بر اشارات صاحب‌الاسلامی به توبه، رک: بدخشن، سراسر اثر). از نگاه صاحب‌الاسلامی، چنین پازگشتن کمال است. به توجه محیوب خدا (1/9)، نوعی ابراز محبب به خداوند (38/3)، و هم از جملة کراماتی این که خدا به انسان می‌بخشد. پازگشت از گنا، مسلمان یک دوستی دو سویه است. از همین رو خدا باب آن را مراحل پایانی عمر بای می‌گذارد (12/8)، باشند که انسان دلش را برای خدا فارغ کند (231/10) و دیده‌ای دل از هر آنچه خلاف این دوستی است بازگرددند (9/6). خدا توجه کاران را دوست می‌دارد (31/16). آنها را در دنیا می‌آمرزد، در آخرت نیز. امان می‌دهد (16/33) و به باغ‌هايی که نهرها در آن روان

هر آنچه در صحیحه همچنین کمال عایظی انسان یاد می‌شود، بیانی دیگر از وصف ایمان است؛ چه ایمان چپی خیر از گراش عایظی مثبت به چپی نیست (برای رویکردهای مختلف به مفهوم ایمان، رک: سروس، ۲۴۸-۲۸۵ محتفشد، می‌تواند). گری در صحیحه چنین گراش عایظی مثبت نسبت به خدا در معرفت محبت آور، بازگشت به او، و ثبت قدم در این راه جسته می‌شود.

آنجا که در صحیحه از خدا کامل ترین ایمان طلب (۱/۲۰) یا ایمان به یکانگی خدا تنها دستاریز انساناها بازموده می‌شود (۴۹/۳، به مواضع این تأکید می‌رود که چنین ارزشی در چارچوب اخلاقی صحیحه، خیر اعلا و کمال برای است (نیز رک: ۴۷/۷۲). آگر این بعید از کمال ذهنی انسان یعنی همین گراش مثبت به خدا و تفسیر مؤمنانه هستی - حاصل نیاید، به که پذیرش توحید و کتاب و تصدیق پیامران بخشخی روی دهد (۶/۲۴). از نگاه صحیحه، برای زندگی نه داشتن این گراش در دل و بازگشت به خدا در پی این امید، بازدید شویدانزادگی مناسب برگردید. یک جا سلفیانی بهدن مدقق می‌شود که سبک زندگی اصحاب پیامبر اکرم (ص) را دنبال کردن و آنها را پیشوا گرفتند (۴/۱۰).
(ب) کمال فهم
کمال فهم و شناخت هم که در صفحه گذاشته گذاری به تعبیر "بهترین یقین" یاد می‌شود (20/ 11)، برای دست‌یابی به کمال ذهن ضرورت است. چنین یقین‌یابی توصیه اهل خلاص می‌شود.

(۱/۲۶) از آنجایی که علم از یک عملیت همراه باشد (20/ 27).

مطعلق این یقین، یگانه‌گی خداوند است (17/ 11). خداوند هر انسان را به "اخلاق در توحید" به‌راعتی می‌کند (1/10). این فهم، یگانه‌گی استواری انسان برای نزدیکی به خدا است. (۲۹/۳۳)؛ انسان در سایه این درک می‌تواند کامتش‌های خود را جبران کند و به خدا تقریب جوید (47/ 72)؛ یا به بیان دیگر، به کمال رسد. معرفت ضروری دیگر برای کمال فهم و بهترین یقین، درک عدالت خدا است؛ این که خدا اسباب زندگی را عادلانه قسمت (۲۵/ ۱) و به عدل میان ردگان داوری می‌کند (6/ 21). و حتی کیفر دادن

بندگان هم نشانی از عدل او است (31/ 10، 45/ 4).

نتیجه این کمال فهم، باور به نفاذ امر الاهی است (54/ 3). چنین درکی با صرف
تجربیات شناختی حاصل نمی‌شود و نیازمند تکامل عاطفی هم هست. بالاترین یقینی که
می‌توان بدان رسید، یقین متوکل‌اند است؛ آنان که خود را به خدا سپرده‌اند (54/ 5).

حصول این یقین در زندگی ذهنی هم آرامش می‌آورد؛ چرا که دیگر انسان از طلب
زیاد رنجور نمی‌شود (29/ 2).

(ب) کمال انکیزپی‌ها
افزون بر ایمان و یقین، در نظام اخلاقی صحیفه نیت خالص و انگیزه راستی می‌سپار
مهم (14/ 14) و در مسیر سلواک اخلاقی ضرورت است (20/ 1)؛ این که فرد نیتهایی
صادقاته (47/ 43) و شایسته (47/ 43) داشته باشد، برای حصول آن انگیزه‌ها کوشش
کند (47/ 41)، و با نبایت قدم (31/ 13) هرگز در این مسیر تردد نوروزد (20/ 5).

از آن سو، انگیزه‌ها و هیجانات سوء نیز می‌توانند پیام آسیب‌رسان باشند;
دیگر گر در صفحه توضیح داده نمی‌شود که پایندی بیان شده در این منشیات متعادل چه فاقداها برای سعادت فرد همراه دارد. گویی مسئله آن کمی قدر بیشتر است که پاسخ آن را مفروض گذاشته باشد. می‌توان گفت نهایت صفحه در باره منشیات انسان حاکی از
نوعی کمال‌گراپی اخلاقی است (رک: کریمی، ۵۰). این کمال منش. خود چون غایتی متعادل، تصویری می‌شود که گویی حتی اگر در خدمت آرمانی دیگر هم نیازداش، به خودی خود ارزشمند است.

می‌توان در عرض مشاهده بالای بیش گذشته، تأکید بازتابیده در صفحه «بر میانه‌روی و اقتصاد و رفتار معادل را زیاد مشاهده کرد. آنها که از خدا خواسته می‌شود اند. تا نه گاه پشت، را به شخص بیاموزد (۳/۱۳۰۳، ۳۲۳) "علمی حسن التدیر"); چنان که فرد اسراف و تذکر تهدید، و در این حال هم خود روزی حلال و سعی بخورد و هم به دیگران بدل کن (هنگام).

(ب) وفتنی خر ب‌ردی در قیاس با دیگر فضیلت‌ها. تأکید کمتری در صفحه ظرفیتی فردی صلاحیت در عرض و رفتار منش در صفحه به کمالات صفحه می‌شود رفتار اجتماعی مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد بیش از آن که روحیه فردگرایی ۱ در صفحه بازتابیده باشد، نگاه حاکم بر آن جمع گروه است. به عبارت بهتر، بسیار بیش از آن که بر انجام کارهای خیر فردی تأکید رود، بر پایبندی به وظایف اجتماعی و حقوق عموم تأکید شده است. با این حال، کارهای خیری فردی هم هستند که در جایگاه صفحه بر آنها تأکید رفتنه است؛ کارهایی که در صفحه هنوز "عمال پاک" در عرض کارهای خیر اجتماعی ذکر و گذشته می‌شود نه آنها به خدا تقریب می‌جوید (۴/۱۱).

این اعمال پوست‌ندازه، بهم و موجب پاکی از گناهان است (۳۱/۱۵، ۴۵۲/۶، ۳۱/۳۶۲). خدا نیز فعال آنها را دوست می‌دارد (۳/۱۵). گذشته از این، اعمالی صادقانه از این دست، آرزوهای دور و دراز را کوتاه می‌کند (۳/۱۵). آن کس که به انتظام چنین کارهای خیری مداومت جوید، مشتاق لقاء خدا می‌شود و مرگ را هم از یاد نمی‌برد.

1. individualism
2. collectivist
پ) ارتباطات اجتماعی

در باره بهبهان‌سازی ارتباطات اجتماعی نیز بحث‌های گسترده‌ای را می‌توان در صفحه‌های مختلف مطرح کرد. در این باره، تاکید می‌شود که مطالعات در این زمینه از ویژگی‌های خاص مورد بررسی قرار می‌گیرند. مثلاً، در مطالعه‌ای از دیگران، تاکید بر تاثیر این مطالعات در جنگ‌های مختلف کلی و کلان است. بنابراین، در این مطالعه می‌توان از دیدگاه آن‌ها، حقوق و آمرزش‌های خود را، به‌عنوان خشونت و خشونت‌های دیگر، در دیدگاهی که باید جامعه‌ای است، برای آن‌ها فرد قانون‌های اجتماعی را تامین کند. 

نخستین فضیلت رفتاری در تعامل با عوم، رعایت حقوق همگان است. این مراحل حقوق تا بدان حد مهم است که در صفحه‌های نخستین حقوق، به خدا پناه جسته می‌شود. این حقوق، می‌توان به نرم خواب در برابر والدین و سیاست‌گزاران از آنها اشاره کرد (۳:۴۷). این حسن رفتار با والدین تا بدان حد مهم است که حتی دعا برای آمرزش آنها موجب آمرزش خود فرد، و خشونت‌های خدا و رسیدن به کرامت و سلامت می‌شود (۲۴/۱۵). از دیگر حقوق‌هایی که بر مراحل آن همچون فضیلت‌های بزرگ تأکید شده، حقوق همان‌ها است (زک: سرزار دعا ۲۴). کمال مطلوب در این زمینه آن است که فرد و همسایگان گر در خوبی‌های عمل واقع شوند و قادر به کانگرور بنداند. این سان که هر دو در کنار هم احساس خوش‌یخی و سعادت کنند (۳/۲۶)

با مروری بر فضیلات رفتاری مذکور در صفحه‌های برای رفتار اجتماعی فرد، می‌توان چنین دریافت که فراوانی از مراحل حقوق عوم، خدمت رسانی به ایشان و خیرخواهی مشفقانه برای آنها هم ارزش‌های احترام‌آمیز است. از جمله تأکیدات صفحه‌های بر این قابل فضایی، می‌توان اشاراتی از به فضیلت یوشاندن عیب‌ها و آشکار کردن نیک‌ها، نرم‌خوابی با عوم،
إحسان ي توافق و آثى داهن هم من را باد كرد (٢٠٠٠).

ادعية صحيحته أفزون بر آن ك مراعات حقوق هم من و پا فرات تهاده من اذ خويش، وهم كوشش برای خیر عموم را توصیه می کند. گاه کرمان و ارزش را در آن می چیند که فرد همین رفتار نیکو را با کسانی پی گیرد که توئی برای جبران ندارند. با بیشتر، تعامل نیکو یا چنین افرادی به کرمان اختلاسی تهدیدیتر است؛ چرا که شخص در آن جویای سود فرمی نیست. بدن سان، همکارانی با نقیان و صبر و مداومت بر آن، چون ارزشی وار پطغ می شود (٣/٠). یک همکارانی فرد را از تکر و ستمگی دور می کند (٣/٠). گذشته از خطای یک دانستان یا یک دانستان حقوق فرد، نمونه دیگر از رفتارهای اختلاسی دور از منفعت جورجی است؛ خطای سنگینی که در بر آن به جویدن، پای حاکمیت است (٣/٩). رحمت خدا، رسیدن به سعادت، و برترین علتی که تقریب جویان دریافت کنند، حاصل چنین گذشته است (٣/٠).

سرآخ، در صحیفه افزون بر تأکید بر فضایل رفتاری در تعامل با عموم بر مشارکتی ویل اجتماعی هم تأکید می رود. هدایتگری دیگران به راه راست (٢٠٠٠)، همگامی با پیشواان راستین (٢٧/٩٥)، پیروی از ست و دوری از بدعنای، امر به معروف و نهی از منکر و پاسداری از اسلام (٦/١٨) از جمله این قبیل فضایل رفتاری در مشارکتی اجتماعی فرد است.

(ب) بیشتر تعامل با خداوند

از دیگر فضایل که در صحیفه بر ضرورت دست یابی به آن برای حصول خیر اعلا تأکید شده، پیشنهادی تعامل با خداوند است. این تعامل بهره هم جنگهای دژنی و روایی دارد، و هم جنگهای رفتاری و بیدری (برای اشاره به دین معنا، رک: سلیمانی، ٤٨/٢٧). از بعید روایی و دژنی، تعامل بهره آن است که اولاً انسان به یاد خدا باشد (٢٠٠٠، ٢٨/٢، ٢٩/٤٧، ١٢٨، ١٢٩، ١١٤، ٤٧، ١١٣، ٤٧، ٢٩/٤٧، ١١٤، ٤٧، ١٢٨، ١٢٩، ١١٣، ٤٧، ٢٩/٤٧، ١١٤، ٤٧، ١٢٨، ١٢٩، ١١٣، ٤٧)؛ بدین معنا که در ساخت عاطفی وجود از یا همان قلبی
فرمان‌پذیری از خداوند جای گیرد (۷/۴۰۰ و اشرب قلی... طاعتنک؛ نیز۲۰/ ۲۹).

ثانیا، همواره انسان قدردانی نعمت‌های الیه و سیاست‌گران آنها باشد: خواه در حال سلامت و عاقبت و خواه در حال بیماری و گرفتاری (۷/۱۵۱-۲۳). در صحیفه بر برم کمتر فضیلت مبنی‌اندازه قدردانی و سیاست‌گرانی از نعمت‌های خدا تأکید شده است. گفته می‌شود این حق‌گزاری موجب خیر دنیا و آخرت را دریپ‌دارد (۷/۵۱) و به انواش‌نعمت‌ها در دنیا (۷/۴۵). سلامتی قلب یا همان عواطف (۷/۱۴). آسایش تن (همانجا).

رستگاری نهایی در آخرت (۷/۱۱۱). خشنودی خدا، و رهاپی از خشنم (۷/۳۲/۱۱، ۳۱، ۴۶، ۵۱، ۶۰) می‌انجامد.


از نظر عملي و رفتاری تعامل به‌ینه با خدا مستلزم آن است که فرد انزواو بر بیاد نعمت‌های خدا و قدردانی‌سی از آنها در دل، به زبانه هم او را بستاید. بر پایه صحیفه، انسان در همه حال باید ستایش‌گر خدا باشد (۷/۱۵۱-۲۳) و در این ستایش، دل و زبانش را هم‌انگیز نماید (۷/۲۴). سعادت انسان در گرو این ستایش است (۷/۳۳). چرا که ستایش مانع نافرمانی از خدا (۷/۲۴). و موجب خشنودی می‌شود. انسان را به مقام فرشتگان می‌رساند (۷/۶)، راه رسیدن به یهش را هم‌وار می‌کند (۷/۲۹). فرد را از
آفتاب (۳۸/۶) و خشم خدا (۸۱/۰) در آمان می‌دارد. از تاریخ‌های برخزم (۱۲/۶) و دوزش (۱۱/۱۵) می‌رهانند. به سبب همین نواید، خدا ستایش خود به انسان تعلیم کرده است (۱۸/۹۵). آن سانکه در صحیفه می‌تواند دید، از میان اشکال مختلف ذکر (برای گونه‌های مختلف آن، رک: مهروش، آیین‌های ذکر...)، در این اثر بر تسبیح خدا تأکید خاص رفته است (برای رویکردهای مختلف به ذکر سده‌های متقدم هجری رک: همو، «تاریخ انگاره ذکر...»، سرسره بهش ۲).

یاری، ثابت کنید با خدا مستلزم این هم هست که فرد حاجات خوش تختها از طلب است (۱۳/۱۳). آن که حاجت از غیر خدا می‌خواهد، راه‌نما و محووریت، یا دیگر به رفته است (۱۴/۱۳)، اما اگر از خدا طلب، چاپی دیباخ خواستگان رفته است که در امکان دست‌بپی‌هست (۱۳/۱۳). همچنین همواره فرد باید به کارهای نیک برای خدا شرق و رغبت نشان دهد (۲۲/۹۸) و خشنودی خدا را بر دوستن مقدم بدارد (۲۲/۱۳).

نتیجه

چنان که دیدیم، در صحیفه خیر اعلا برای انسان - که انتهای آن با تعبیری همچون سعادت، رستگاری و نجات یاد می‌شود - نزدیکی به خدا ست. این سعادات اگرچه مساوی با خوشی خورشید نیست، اما با آن بی‌گمان هم نیست و برخی مصادیق سعادت که در صحیفه یاد می‌شود، اینجا هستند. سعادت‌های کسی است که به فرمات‌داری از خدا رغبت می‌ورزد و فضل و بخش‌های دیوری خدا را نیز می‌جوید. برای رسیدن به سعادت، بر ضرورت حصول در کمال تکه شده است؛ هم فرد باید از کمال ذهن برخوردار بگردد و هم در کشش و مشاهد خود شیوه‌های کمال جویانه را بپیگردد.

کمال ذهن بهره کسی است که از نظر عاطفی، شناختی، انگیزه‌ای، و هیجانی، برای خود انسجام و اضباطی ذهنی پدید آورده. کمال عاطفی انسان در صحیفه به «ایمان» است.
بازی افزون بر ایمان، کمال در شناخت یا «بهترین یقین» هم ضرورت است؛ یقینی که با معرفت صحیح و برقراری ارتباطی عاطفی با آن معرفت حاصل می‌شود. کمال اینگیزش‌ها هم از یک سو در گرو نیت خالص، و از دیگر سو محتاج دوری جست از هیجیات با است.
کمال رفتاری نیز به اندیشه کمال ذهنی برای سعادت انسان ضروری است. این تکمیل خود را هم در رفتارهای فردی جلوگیر می‌کند. هم در تعامل فرد با عموم و هم در تعاملش با خدا. در صحیفه بسیار بیش از آن که بر انجام کارهای خیر فردی تأکید رود، بر پا نمی‌گردد به ارزشهای رفتار اجتماعی تأکید شده است؛ ارزشهایی که رعایت حقوق همگان، خیرخواهی برای عموم و خدمات به انسان، و تعامل بهینه با کسانی که قادر به جهان محبت نیستند، یا حتی عزیزی بر این کار ندارند.
سرآخ، تعامل بهینه با خدا هم جنبه‌هایی ذهنی و روشنی دارد و هم جنبه‌هایی رفتاری و بیرنی. از نظر روشن و ذهنی، تعامل بهینه انسان با خدا آن است که انسان به یاد خدا و هم‌واره نیز اقدامات عفونیلاها و سوگوار آنها باشد؛ همچنین که هرگز اجازه نمی‌دهد این احساس مشتی که در باره خدا پیدا کرده است، سبب شود خوف خدا از قبیل‌های مغز گردد. از نظر عملی و رفتاری نیز، تعامل بهینه با خدا مستلزم آن است که فرد افزون بر آن که در دل به یاد خداست، و قدر تعطیف آور را می‌داند، به زبان مه وی را استیل کند، حاجات خریش تنه از او بخواهد، شوق در کارهای نیک داشته باشد و خشونتی خدا را نیز، بر دوستان مقدم کند.
منابع

۱. آقایرگ طهرانی، محسن محسنی. مذبحة إلی تصنیف الشیعه. بیروت، دار
الاضواء. ۱۳۸۲ م.

۲. ابراهیمی قربانی، علی. بررسی نظام تربیتی صفحه‌سجادیه، ت. م. مرکز
پژوهش‌های صدا و سیما. ۱۳۸۵.

۳. «میانی، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتی در صفحه‌سجادیه»، معرفت، شماره ۵۷. شهریور ۱۳۸۱.

۴. احساسی نیا، محسن. باستان‌های پژوهشی در نمایی صفحه‌سجادیه، سیمینه.
مشاهده، ۹. زمستان ۱۳۸۱.

۵. احمد ند، فریدن. «بررسی اصول اخلاقی اجتماعی در صفحه‌سجادیه» و
پژوهش‌های اخلاقی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۰.

۶. اخوان کاظمی، بهرام. «دکترین و سیاست‌های دفاعی - امنیتی در صفحه‌سجادیه»، لف، حکومت اسلامی، شماره ۴۳. تابستان ۱۳۸۶.

۷. دفاعی، م. ر. زمستان ۱۳۸۶.

۸. اسکوکان، عباس و شمس آبادی، آرزو. «انسان در صفحه‌سجادیه»، صفحه
میانی، سال بیستم، شماره ۵۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۹. افخمی علی، رضا و دیگران. «مضامین مشترک انسان‌شناسی در صفحه‌سجادیه
و اشعار منسوب به امام سجاد (ع) »، ادب عربی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

۱۰. محمدخان، نعمت‌الله. «تربیت از نگاه عقل و نقل با مروی بر صفحه‌سجادیه»،
عقل و دین، دانشگاه تهران، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

۱۱. پاکتی، احمد. «اخلاق دینی»، دائرة المعارف برگ اسلامی، به کوشش کاظم
موسوی بجنوردی و دیگران، جلد هفتم، تهران، ۱۳۸۷.

۱۲. ایران‌نیا شریفی. دائرة المعارف برگ اسلامی، به
کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، جلد ششم، تهران، ۱۳۷۸.
22. فیض،-shot منصور، "مباحث اخلاقی در صحیفة سجادیه"، تبریز، 1384.
23. پیرامون بهرام، "بسط بهار و خصائص اخلاقی در صحیفة سجادیه"، تبریز، 1389.
24. ترکاشی، همیه و دیگران، "جلیع عاطفه و چاپ‌گاه آن در صحیفة سجادیه"، ادبیات، شماره 1، دوی 3، بهار 1391.
25. توئری نسب، جمیع و میر شاه جعفری ابراهیم، "عکس‌های پیشرفته روایت از نظر صحیفة سجادیه"، مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره 3، پاییز و زمستان 1387.
26. حسینی اشکری، جعفر، "اجازات روایت صحیه در قرن یازدهم"، سمنه، شماره 9، زمستان 1384.
27. حسینی جلالی، محمد حسین، "درس‌های صاحب‌الصیف سجادیه"، بیروت، آلمان، 1421.
28. حسینی شافعی، مرتشی و شریعتی، فهیم، "بررسی مفهوم استغفار در صحیفة سجادیه"، علوم قرآن و حیدری، شماره 4، بهار و تابستان 1390.
29. حکیم، محسن، "کتابشناسی تفصیلی شرح و ترجمه‌های صحیفه"، کتاب‌خانه، تبریز، 1380.
30. ددسپیگی، محسن، "مرگ در صحیفة سجادیه"، جیرا، شماره 6، زمستان 1389.
31. دریابیکی، محسن، "بررسی تطبیقی مفهوم صدق در قرآن، روایات، و صحیفة سجادیه"، پژوهش دینی، شماره 17، پاییز 1387.
32. دیده، سال هشتم، شماره 29، بهار و تابستان 1391.
سیحات نژاد، مهدی و علی‌الدین حسین، حمد، «درآمدی بر ابعاد و زمینه‌های تربیت در صفحه سجادیه»، مشکوک، شماره 91، تایبستان ۱۳۸۵، ص ۲۴.

سجادی، احمد، «پایه‌های پژوهشی در باره صفحه سجادیه»، سفینه، شماره ۶، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۵.

سرخ، عبدالکریم، بسط تجربه نیوی سلسله، تهران، سراج، شماره ۲۷۸، تایبستان ۱۳۸۸.

سلما ن، مصطفی، «درآمدی بر نظام تربیتی و انسان‌شناسی از منظر صفحه سجادیه»، جهان تربیتی، شماره ۱۵، تایبستان ۱۳۹۰، ص ۲۶.

شریفی، مرضیه، «درآمدی بر رویکرد اسلامی درمان‌افزایگی با محوریت صفحه سجادیه»، معرفت، شماره ۱۷۴، خرداد ۱۳۹۱، ص ۲۷.

شمس‌آبادی، آژوز، اندیشه اخلاقی بازتابیده در صفحه سجادیه، پایان نامه کارشناسی ارشد اخلاق و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، ۱۳۹۳، ص ۲۸.

صدرا طیبی خویی، علی، «صحیفه سجادیه به روایت امین مالک»، علوم حکمت، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۹.

قاسمی، علی و دیگران، «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (ع) در صحیحه سجادیه»، روزنامه‌نگاری تربیتی، شماره ۱۷، تایبستان ۱۳۸۹، ص ۳۰.

کرمی، احمد، «مسئولیت پذیری اجتماعی در دعای مکارم الاخلاق»، پژوهش‌های اخلاقی سال اول، شماره ۲، تایبستان ۱۳۹۰، ص ۳۱.

مجتهد شیخ‌تری، محمدرضا، دانشنامه معارف بزرگ اسلامی به کوشش کاظم موسی پچندری، جلد دوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۲.

مجتبی، محمد تقی، رساله در بین اسانی و طریق مؤلف در نقل صحیحه سجادیه، ضمن بیان انوار محمد باقر مجلی، جلد سوم و هفتم، دوره پانزدهم، انجمن تاریخ و سیاست، تهران، ۱۳۸۳.

مردمی، ابولقاسم، «در جستجوی الگوی رفتاری از دعای مکارم الاخلاق»، انجمن تاریخ و سیاست، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۳.
مصباح، شمس ۷۶ مارس و شیرور ۱۳۸۷، مزوقی، رحمت الله، «آسان و تربیت از منظر صحیحه سجادیه»، اندیشه دینی، شماره ۱۵۲، تابستان ۱۳۸۴.

۳۷ مقامی، حیدر و میر شاه جعفری ابراهیم، «رهیافتی به نظام تربیت اسلام از نگاه صاحیحه سجادیه»، اندیشه دینی، شماره ۱۶۱، تابستان ۱۳۸۴.

۳۸ ملا سلیمانی، فرشته و دیگران، بررسی مبادی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد، در صاحیحه سجادیه، روانشناسی تربیتی، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹.

۳۹ موسوی بروجردی، حسن، «پژوهش در نسخه شهید اول از صاحیحه سجادیه»، ترجمه محمود نظیری سفی‌نیا، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۴.

۴۰ مهری شریفی، فرهنگ، «اندیشه اخلاقی این مسعود»، پژوهش‌نامه اخلاق، سال هفتم، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۴.

۴۱ اجتماعی آنها، صاحیحه مبین، سال نوزدهم، شماره ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲.

۴۲ تاریخ انگاره ذکر در فرهنگ اسلامی، مطالعات قرآن و حديث، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

۴۳ هرود و انسان صاحیحه سجادیه با تکیه بر شاخه‌های متین، پایان تاریخ کارشناسی ارشد علوم قرآن حديث، دانشگاه امام صادق (ع)، تابستان ۱۳۸۲.

۴۴ کامیاب، رضوان، «اندیشه اخلاقی شهید عبدالحسین دسیبی و خاستگاه قرآن آن»، صاحیحه مبین، سال بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۳.

۴۵ هاشمی شاه قبادی، رضا، «سیره تربیت امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق»، نیستان/دیوان و مفاهم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.